



*روزنامه صبح غرب کشور*

صاحب امتیاز: مسعود جوادندل | مدیرمسئول: سید حسن قشمی | سردیر: زهره پوروهایی | چاپ: پیام رسانه | نشانی تحریریه: همدان، خیابان پاستور، کوچه شهید عزیزان، پلاک ۵۹

تلفن دفتر مرکزی: ۳۱۳۳۰ - ۰۸۱ | امور مشترکین: ۰۹۱۸۳۱۶۸۵۷۴

صاحب امتیاز روزنامه: ۰۹۱۸۸۱۲۱۵۴۱ | آگهی‌ها: ۰۲۸۲۵۴۰۰ - ۰۸۱

پيامک: ۳۰۰۰۱۸۱۸۶۰ | ارتباط با تحریریه: ۲۸۲۷۲۹۳۹ - ۰۸۱ | دورنما: ۳۸۲۸۱۸۴۹ - ۰۸۱

| گستره توزیع: استان‌های ایلام - کرمانشاه - کردستان - مرکزی - همدان |

**امام علی علیه‌السلام فرمودند: دانش، میثرائی است گرانمایه و آداب، زیورهایی نو به نو و اندیشه، آینه‌ای صافی است.**

www.sepehrgharb.ir      Email: sepehrgharb.news@gmail.com      sepehrgharb\_live

# رزمندگان همدانی، ملائکه الله عملیات مرصاد بودند

سپهرغرب، گروه فرهنگی – سمیرا گمار، امیر شالبالیان رزمنده همدانی حاضر در لیات مرصاد گفت: شهید صیاد شیرازی از طریق هلیکوپتر وارد منطقه شده و وقتی برای بررسی می‌رود، می‌بیند خاکریزی زده شده و نیروهایی از رزمندگان در آنجا هستند، خودش می‌گوید من پرسیدم آنها چه کسانی هستند؟ که می‌گویند گردانی از لشکر ۳۲ انصار همدان هستند که شهید صیاد شیرازی می‌گوید من به آن‌ها می‌گویم ملائکه الله! این تعبیر آقای صیاد شیرازی نسبت به حضور بچه‌ها در آن ساعات ابتدایی درگیری با منافقان است. \*\*\*سوتیتر: به هر حال نیروهای سازمان مجاهدین خلق که فرصت را مناسب دیده و چند پیروزی کوچک قبل به آنها جسارت داده بود که می‌توانند ایران را فتح کنند، ساعت چهار بعدازظهر روز سه مرداد سال ۶۷ از سمت مرز خسروی وارد خاک ایران می‌شوند، سپس به قصر شیرین، سرپل ذهاب، گردنه پاتاق و کرند می‌رسند؛ علی‌اکبر راستگو، عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق در کتابش نوشته در کرند، نیروهای منافقین حدود ۲۰ نفر از بچه‌های بسیجی پایگاه کرند که بین ۱۳ تا ۱۵ سال سن داشتند را همانجا تیرباران کرده و از آنجا خارج می‌شوند.\*\*\*

امیر شالبالیان متولد سال ۱۳۴۵ در شهر بهار است که بعد از گذراندن مقطع سیکل در دوره دبیرستان عازم کجیه شده و به اذعان خود وی شخصیتش در جبهه شکل گرفته است. از سال ۱۳۶۱که وارد جبهه شده تا پایان جنگ در یگان ۳۲ انصارالحسین (ع) همدان بوده و مسئولیت‌های مختلفی از فرماندهی دسته، فرماندهی گروهان و در نهایت در عملیات مرصاد معاون فرمانده گردان بوده است. وقتی شهید مبارکی به عنوان فرمانده گردان در این عملیات به شهادت می‌رسد شالبالیان فرماندهی گردان را بر عهده گرفته و تا پایان در این عملیات ایثارگری مجاهده می‌کند. او ۱۶ سال است در کسوت استادی دانشگاه بوده و علاوه بر تدریس مؤلف نیز بوده و مهم‌ترین کتاب عملیات مرصاد را با محوریت نقش رزمندگان همدان به نان «از قرارویز تا مرصاد» تالیف کرده است. با توجه به اینکه پنجم مرداد سالگرد عملیات مرصاد بوده و این عملیات از جهات متعدد مهم است، خبرنگار گروه خبری سپهر با شالبالیان گفتگویی ترتیب داده تا نقش رزمندگان همدان در این عملیات را تشریح کند. در ادامه مشروح این مصاحبه را می‌خوانید:

عراق با نبرنگ موضع آتش‌بس را مطرح کرد
امیر شالبالیان در ابتدای سخنان خود با بیان اینکه عراق بعد از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر، در موضع ضعف قرار گرفت و مجبور شد به صورت نمادین با خدعه و نبرنگ موضوع آتش‌بس را مطرح کند، عنوان کرد:

جمهوری اسلامی نیز در مقابل نمی‌توانست بدون صدور قطعنامه یا عقب‌نشینی دشمن از شهرهای اشغال شده پیشنهاد آتش‌بس را بپذیرد. لذا داستان ادامه داشت تا اینکه جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۷، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت عراقی‌ها ماهیت اصلی خود را نشان دادند. نه تنها با پذیرش پیشنهاد صلح از سوی ایران موافقت نکردند بلکه از سه محور به خاک ایران حمله کردند.

\*تمام توان جمهوری اسلامی در جنوب متمرکز بوده و در غرب یک خلاء وجود داشت...
وی ادامه داد: از محور جنوب، جبهه‌های میانی و غرب؛ از جبهه جنوب تا اهواز رسیدند تا جایی که امام یک پیام ویژه در این باره صادر کرده و گفتند: «اینجا نقطه بین کفر و اسلام است و هیچ عذری از هیچ احدی پذیرفته نیست و باید جنگید. بود و نبود سپاه به حفظ خرمشهر بستگی دارد.» یعنی امام که یک زمانی می‌فرمود اگر سپاه نبود کشور نبود، اینجا لحن خود را تغییر داده و فرمود اگر خرمشهر بار دیگر بخواهد سقوط بکند وجود سپاه توجیهی ندارد. در واقع تمام توان جمهوری اسلامی در جنوب متمرکز بوده و همین باعث شده بود در غرب خلائی ایجاد شود و دشمن از در قالب سازمان مجاهدین خلق که حیات خود را در استمرار جنگ می‌دیدند.

\*صدام منافقان را تجهیز و راهی ایران کرد!
این رزمنده تأکید کرد: وضعیت جبهه غرب باعث شد، دشمن آخرین تلاش‌های خود را انجام داده و سرکرده سازمان مجاهدین خلق به اتفاق یکی دو تن از فرماندهان عالی‌رتبه عراقی پیش صدام برود. آنجا به صدام پیشنهاد داده و یک فرمانده عراقی می‌گوید: اگر اجازه بدهید نیروهای مجاهد ایرانی یعنی منافقین، می‌توانند طرف یک هفته به تهران برسند! صدام موافقت کرد ه و می‌گوید: با شدت و حدت این کار دنبال کنید!

\*منافقان فراخوان بین‌المللی زدند...

شالبالیان سپس توضیح داد: اسناد تاریخی می‌گویند صدام به فرماندهانش توصیه کرد که شما نیروهای مجاهد را تقویت کنید و هر چیزی که ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش خلق ایران نیاز دارد در اختیار آنها قرار دهید. لذا عراق با تمام توان، تجهیزات را در اختیار منافقان قرار دادند. از طرف دیگر منافقان نیز یک فراخوان بین‌المللی زده و از اقصی نقاط دنیا تمام اعضا و هواداران خود را به عراق دعوت کردند و بعد از چند روز مریم و مسعود رجوی در پادگان اشرف برنامه خود را برای حمله به ایران اعلام کردند.

\*عملیات آنها فروغ جاویدان و رمزشان یا حسین بود!

وی در ادامه متذکر شد: پس از تشریح اقدامات منافقین توسط مسعود رجوی، عملیات فروغ جاویدان، (نه مرصاد) با رمز یا حسین (ع) در

تاریخ سه مرداد ۱۳۶۷ آغاز شد؛ عملیات مرصاد اسم عملیاتی است که رزمندگان جمهوری اسلامی در مقابل عملیات فروغ جاویدان منافقین که اولین عملیات مستقل آنها بود، انجام دادند. البته پیش از این نیز منافقین اقداماتی داشتند و حدود ۱۱۵ بار عملیات محدود ایضایی انجام داده بودند.

\*چند پیروزی کوچک قبل منافقان به آن جسارت داده بود

این مؤلف و استاد دانشگاه توضیح داد: به هر حال نیروهای سازمان مجاهدین خلق که فرصت را مناسب دیده و چند پیروزی کوچک قبل به آنها جسارت داده بود که می‌توانند ایران را فتح کنند، ساعت چهار بعدازظهر روز سه مرداد سال ۶۷ از سمت مرز خسروی وارد خاک ایران می‌شوند، سپس به قصر شیرین، سرپل ذهاب، گردنه پاتاق و کرند می‌رسند؛ علی‌اکبر راستگو، عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق در کتابش نوشته در کرند، نیروهای منافقین حدود ۲۰ نفر از بچه‌های بسیجی پایگاه کرند که بین ۱۳ تا ۱۵ سال سن داشتند را همانجا تیرباران کرده و از آنجا خارج می‌شوند.

\*رسم عید قربان را به نام خودشان مصادره کردند

شالبالیان با اشاره به اینکه شروع این تجاوز به خاک وطن همزمان با عید قربان بوده و رسم بر این بوده مردم پول روی هم بگذارند و در هر کویی یک قربانی داشته باشند، تصریح کرد: نیروهای منافقین این اقدام را مصادره کرده و به رسانه‌های دنیا می‌گویند مردم این قربانی‌ها را برای ما کشته‌اند و از ما استقبال کرده‌اند! آنها از ابتدا تیم رسانه‌ای قوی‌ای داشتند و گام به گام پیشروی خود را هم فیلمبرداری می‌کردند که البته ایران آن فیلم را غنیمت گرفت و الان موجود است. اما ما در بعد رسانه‌ای ضعیف عمل کرده و می‌کنیم.

\*آقای ناطقی فکر کرده بود منافقان نیروهای عراقی هستند!

وی افزود: در این اثنا آقای حجت‌الاسلام ناطقی که نماینده حضرت امام در منطقه غرب بوده برای بازدید به منطقه می‌رود و می‌بیند اوضاع طبیعی نیست، به کرمانشاه برگشته و در اسلام‌آباد می‌بیند نماینده ولی فقیه، فرمانده سپاه، فرمانده نیروی انتظامی، نیروهای ژاندارمری و هیچ کدام از یگان‌های نظامی و انتظامی حضور نداشته‌اند! از اسلام‌آباد سریع به سمت کرمانشاه حرکت می‌کند که در قرارگاه به فرماندهان اطلاع بدهد که نیروی سریع آماده‌کنند برای تقابل با پیشروی منافقین که تصورش این بوده ارتش عراق است.

\*اولین گروه مبارز با منافقان نیروهای مجاهد از لشکر بدر عراق بودند

این رزمنده اظهار کرد: در مسیر، پشت ارتفاعات چهارزبر، به اردوگاه شهید شهبازی که عقبه لشکر ۳۹ همدان در منطقه غرب بوده می‌رسد و فرمانده حضور نداشته وقتی به جانشین او اطلاع می‌دهد که عراقی‌ها در مسیر دارند می‌آیند، آن آقا می‌خندد؛ آقای ناطقی عصبانی می‌شود و خلاصه یک نفر را برای کسب خبر به منطقه می‌فرستند که او وقتی به گردنه حسن‌آباد می‌رسد منافقان رگبار را روی ماشینش می‌گیرند، وقتی برمی‌گردد واوضاع را تشریح می‌کند حاج میرزا سلگی فراخوان داده و فرمانده گردان‌ها را فرا می‌خواند، به یک گروهان از گردان ۱۵۴ و دو گروهان از گردان ۱۵۵ که در راه همدان بودند هم دستور می‌دهد که برگردید. بنده هم در آنجا حضور داشتم؛ با شهید مبارکی به منطقه رفته و در ارتفاعات مستقر شدیم. بچه‌های اطلاعات عملیات تیپ ۲ کرپلا هم دیده بودند سه اتوبوس نیروهای بدر عراق در حال رقتن به جنوب هستند که وقتی می‌بینند در همان مسیر درگیری هست همانجا مشغول می‌شوند لذا اولین درگیری بین منافقین و لشکر ۹ بدر عراقی انجام شده و این درگیری فرصتی را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمان می‌آورد تا نیروها آرایش بگیرند.

\*تصمیم داشتند ۲۴ ساعته تهران را فتح کنند که با آتش رزمندگان اسلام مواجه شدند

شالبالیان یادآوری کرد: بعد از این داستان منافقین در کتاب خودشان اشاره می‌کنند که ما تصمیم گرفتیم استراحت کنیم، تا ساعت ۴ هم مشغول استراحت بودند و ما روی ارتفاعات نظاره‌گر این موضوع بودیم؛ بعد از دو ساعت استراحت چراغ‌هایشان را روشن کردند و با ایجاد یک رعب و وحشت حرکت کردند. هم ما و هم فرماندهان گردان ۱۵۵ اشاره کردند که کسی تیراندازی نکند تا آنها به تیرس برسند تا مهمات بیهوده مصرف نشود. به محض اینکه که در تیررس ما قرار گرفتند دستور آتش صادر شد و از طرفین جاده آن‌ها زیر بارانی از گلوله‌های آریپیچی و تیربار قرار گرفتند و برای اولین بار سیلی محکمی از رزمندگان اسلام خوردند که خودشان هم تصورش نمی‌کردند. چون برنامه آنها این بود که ساعت ۱۰ به اسلام‌آباد و ساعت ۱۲ به کرمانشاه برسند، ساعت ۵ به سمت همدان حرکت کنند،

- دوشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۳**
- سال شانزدهم - شماره ۲۹۰۶**



مرا اسکن کنید

### نمایندگی‌های سپهرغرب در استان‌ها

عاطفه آزاد پور (ایلام): ۴۹۰۴ ۹۴۳ ۰۹۱۸

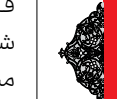
فرزاد منتی (کرمانشاه): ۲۷۲۹ ۱۳۰ ۰۹۱۸

شیرین مرادی(کردستان): ۶۹۸۴ ۸۷۷ ۰۹۱۸

مینا یاحقی(مرکزی): ۴۹۰۹ ۱۷۹ ۰۹۹۰



مرا اسکن کنید



مرا اسکن کنید

۱۱ صبح در قزوین باشند و ساعت ۴ بعدازظهر تهران باشند. یعنی برنامه زمان‌بندی آنها این بود که ظرف ۲۴ ساعت تهران را بگیرند که در تنگه چهار زبر با حجم انبوه آتش رزمندگان لشکر انصارالحسین (ع) مواجه شدند. البته نگفته نماند گردان‌های دیگر لشکر از جمله ۱۵۱ ملایر با تمام وجود پای کار آمدند.

\*ملائکه الله در مرصاد چه کسانی بودند...؟

وی اظهار کرد: وقتی منافقان برای بار دوم به تنگه آمدند، با حجم آتش سنگین رزمندگان اسلام مواجه شدند و تلفاتی از حیث نیرو و تجهیزات داشتند که مجبور به عقب‌نشینی شدند. چندین و چند بار این حرکت را انجام داده و به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند از این تنگه عبور کنند پس مجبور شدند از ماشین‌های خودشان پیاده شده و پیاده ارتفاعات را دور بزنند. خدا رحمت کند شهید صیاد شیرازی را؛ او وقتی از موضوع خبردار شد و توسط معاونت عملیات سپاه ماموریت گرفت از طریق هلیکوپتر وارد منطقه شد وقتی برای بررسی می‌رود می‌بیند خاکریزی زده شده و نیروهایی از رزمندگان در آنجا هستند، خودش می‌گوید من پرسیدم آنها چه کسانی هستند؟ که می‌گویند گردانی از لشکر ۳۲ انصار همدان هستند که شهید صیاد شیرازی می‌گوید من به آن‌ها می‌گویم ملائکه الله! این تعبیر آقای صیاد شیرازی نسبت به حضور بچه‌ها در آن ساعات ابتدایی درگیری با منافقان است. حالا آقای صیاد شیرازی هم با حضور خود، نیروی هوایی و هوانیروز را به خدمت می‌گیرد و در مقابل منافقین ایفای نقش می‌کند و در اعترافات منافقان هست که می‌گویند هواپیماهای جمهوری اسلامی امان ما را بریده بود.

این رزمنده همدانی ادامه داد: درگیری‌ها ادامه داشت تا اینکه فرمانده من یعنی شهید مبارکی هم در روز چهارم مرداد به شهادت رسید و سایر گردان‌ها و یگان‌ها وارد عمل شدند؛ روز پنجم هم ماموریت ادامه داشت گردان‌های تیپ یک ذوالفقار لشکر ۳۲ همدان که در جنوب بودند ماموریت خودشان را به نحو احسن انجام دادند و قریب به ۳۰ نفر شهید دادند.

\*گردان ۱۶۰ ۲۴ ساعت تشکیل و تجهیز و درگیر شد...

شالبالیان با اشاره به گردان ۱۶۰ که حاج میرزا سلگی همیشه به نیکی از آن یاد می‌کرد، افزود: وقتی خبر رخنه منافقین به شهر همدان می‌رسد در سپاه جلسه‌ای تشکیل شده و فراماده بسیج همدان به فرمانده بسیج بهار که آقای بهمن قاسملو بوده دستور می‌دهد سریع فراخوان بزنید، فراخوان به هر وسیله‌ای اعم از تلفن، مراجعه به منازل، مراجعه به صحرأ (چون شغل اکثر مردم شهرستان بهار کشاورزی بوده) و او مامور به تشکیل یک گردان می‌شود. گردانی را ظرف ۲۴ ساعت به نام گردان ۱۶۰ تشکیل داده، تجهیز کرده و به سمت منطقه حرکت می‌کنند. آنها روز پنج مرداد به منطقه رسیده و ظرف ۴۸ ساعت گردانی که ۲۴ ساعت قبل تشکیل شده وارد عمل می‌شود و سه شهید هم تقدیم می‌کنند. بنده ظرف یکی دو ماه آینده اگر مسئولین مربوطه در استان حمایت کنند به چاپ می‌رسد. این کتاب به تبیین نقش رزمندگان همدانی در مرصاد می‌پردازد.

\*چرا مسئولان همدانی کتاب از مرصاد تا قراویز را چاپ نمی‌کنند؟!

وی در خاتمه با ابراز ناخرسندی ازمسئولان بنیاد حفظ آثار استان همدان از بی‌توجهی به کتاب از مرصاد تا قراویز، اذعان کرد: این کتاب که به شدت مورد استقبال دانشجویان واقع شده و سال گذشته ویرایش و اصلاح آن مجدداً صورت گرفت، با بی توجهی مسئولان استان مواجه شده و چاپ مجدد نشد. سوال من این است چرا این کتاب که با اقبال مواجه شده چاپ نمی شود تا نسل جوان با وقایع و تاریخ آشنا شوند؟ امیدوارم خداوند عاقبت همه را ختم به خیر کند.